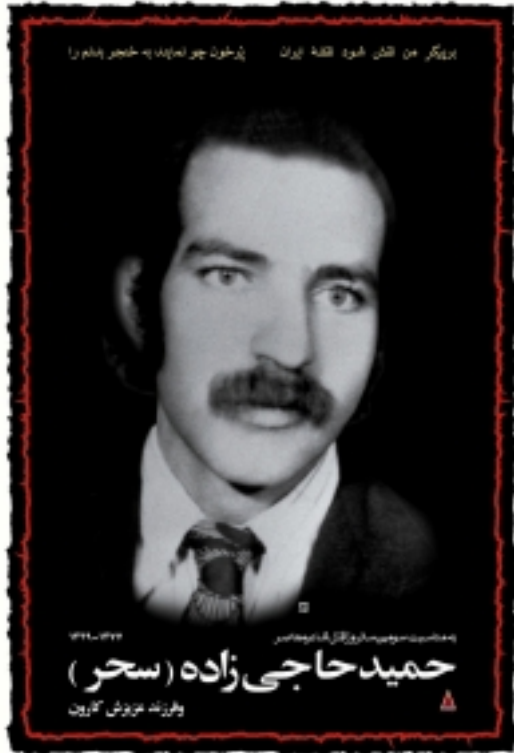


به برادرم - فریدون - ، میماند حمید

به : فرخنده حاجی زاده و ... خودم !

محمد ایل بیگی

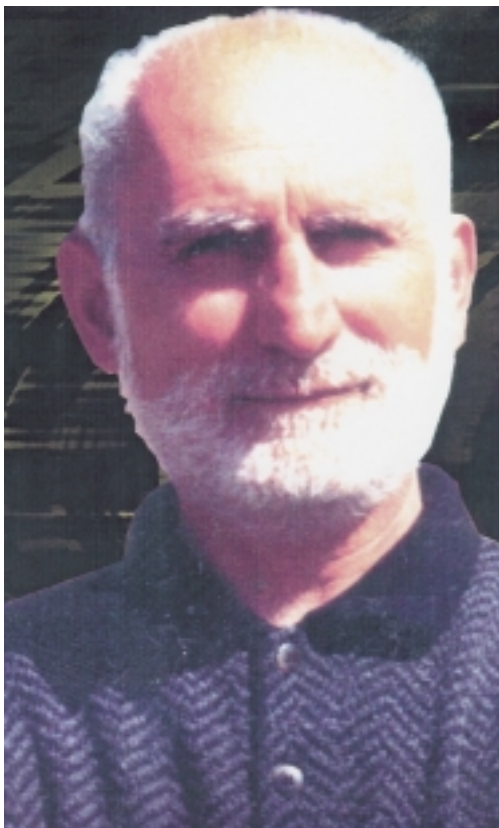


به برادرم - فریدون - میماند حمید
- و هر یک به گونه ای نا به جوانمردانه رفتند .

فرهیخته گانی بودند شاعر ؛
شاعرانی مردم دوست
شاعرانی بی آرایش
و هیچ نخواهانی برای خود
و پاکبخته گانی
خود از آن پیش از این آگاه .

آه و آه و آه !
چه ساده رفتند
و چه ساده درد مانرا جاودانه کردند !

هیچشان لیاقت بهره بری از زندگی نبود ؟
بهر شان از زندگی بجز درد هیچ نبود ؟



بزرگایم فرخنده !
فریدون تنها رفتو
هیچ یادی از او در هیچ کجا نبود و نیست
و با توام ای فرخنده !
تا بار رفتن حمید را
- چون من -
به تنهایی بر دوش نکشی .

۱۵ اسفند ۸۱